

سنة ١٤٤٠ هـ



آموزش خاص اعضای شورای

حل اختلاف (۷)

موانع تعقیب دعوی عمومی

اداره کل آموزش کارمندان

اداره آموزش شورای حل اختلاف

۱۳۸۶

قوه قضائیه، معاونت آموزش

موانع تعقیب دعوی عمومی - آموزش خاص اعضای شورای حل اختلاف (۷) / تهیه
کننده اداره کل آموزش کارمندان - اداره آموزش شورای حل اختلاف. - قم: نشر قضا؛

۱۳۸۴

ص ۳۶ . - (نشر قضا؛ ۱۷۲)

ISBN : ۹۶۴ - ۸۱۰۷ - ۷۲ - ۶

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

۱. آیین دادرسی جزایی - - ایران. الف. اداره کل آموزش کارمندان - اداره آموزش شورای

حل اختلاف. ب. عنوان

۳۴۵/۵۵۰۵

KMH ۴۶۱۰ / ۹۹

۱۳۸۴



نشر قضا

موانع تعقیب دعوی عمومی

زیر نظر معاونت آموزش قوه قضائیه، اداره کل آموزش کارمندان

ناشر: نشر قضا

چاپ دوم: قم، بهار ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰.۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صمافی: اسراء

* * *

همهٔ حقوق ویژهٔ ناشر است

«نسخه حاضر از بودجه بیت المال تهیه شده و قابل خرید و فروش نمی‌باشد.»

«نظریات مطروحه در این کتاب الزاماً دیدگاه معاونت آموزش قوه قضائیه نیست»

تهران: ف حافظ شمالی، (روبروی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، نبش ف سمیه، سافتمان شماره ۳ قوه قضائیه

معاونت آموزش قوه قضائیه، تلفن: ۴۰ - ۸۸۹۲۳۶۲۳ و ۷۰ - ۸۸۹۱۹۴۶۵ (۰۲۱)

پست الکترونیک: info@law-training.ir

فهرست

- موانع تعقیب دعوی عمومی ۷
- پیشگفتار:..... ۷
- بخش اول: موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی ۱۱
- بند اول : ضرورت شکایت شاکی ۱۱
- بند دوم : مصونیت‌های مانع از تعقیب ۱۳
- الف . مصونیت پارلمانی ۱۳
- ب . مصونیت‌های تشریفاتی ۱۴
- ۱ . صونیت‌های قضات دادگستری ۱۵
- ۱-۱. مصونیت کیفری : ۱۵
- ۲-۱. مصونیت شغلی قضات : ۱۷
۲. مصونیت وکلای دادگستری: ۱۷
۳. تعقیب افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر ۱۸
- ج . مصونیت‌های سیاسی : ۱۹
- بند سوم : اناطه ۲۰
- بخش دوم: علل سقوط دعوی عمومی ۲۳
- بند اول : فوت متهم یا محکوم علیه در مجازاتهای شخصی ۲۳
- بند دوم : گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت ۲۴
- بند سوم : مرور زمان کیفری ۲۶
- بند چهارم: مشمولان عفو ۲۸
- بند پنجم: نسخ مجازات قانونی ۳۱
- بند ششم : اعتبار امر مختومه کیفری ۳۲



موانع تعقیب دعوی عمومی

پیشگفتار:

سقوط دعوی خصوصی کاملاً با سقوط دعوی عمومی متفاوت است، دعوی عمومی با فوت محکوم علیه یا عفو عمومی ساقط می‌گردد در حالی که دعوی خصوصی در موارد مذکور به قوت خود باقی می‌ماند. دعوی خصوصی برای سقوط، موارد خاص خود را دارد. گذشت مدعی خصوصی (متضرر) از جهات عهده سقوط دعوی خصوصی است.

بطوری که ماده ۸ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد (در مواردی که تعقیب امر جزایی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موقوف می‌شود، هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند اجرای حکم موقوف می‌شود، چنانچه قسمتی از حکم اجرا شده باشد) بقیه آن موقوف و آثار حکم مرتفع می‌شود، مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد در کشورهایی که مرور زمان را در دعاوی حقوقی پذیرفته‌اند با حصول مرور زمان دعوی خصوصی ساقط می‌گردد. و بالاخره همان علل و جهات سقوط تعهدات مثل تهاتر،

مالکیت مافی الذمه و پرداخت خسارت، موجب سقوط دعوی خصوصی می‌شود.

در بعضی موارد دادسرا (نهاد تعقیب) یا سایر مقامات قضایی ذیربط با موانعی مواجه می‌شوند که نه فقط تصمیم‌گیری در مورد تعلیق تعقیب، حتی امکان تعقیب را نیز از نهاد تعقیب (دادسرا) و سایر مراجع قضائی سلب می‌نماید. موانع مذکور یکسان نیستند و ماهیت حقوقی متفاوتی دارند. برای مثال، برخی موانع از قبیل ضرورت شکایت شاکی، مصونیت پارلمانی و اناطه موقتی بوده، پس از حصول شرایط قانونی، امکان تعقیب فراهم می‌شود. یعنی بعضی اوقات تعقیب جرم عمومی به لحاظ عدم شکایت شاکی خصوصی متوقف می‌ماند، گاهی تعقیب مقدماتی را می‌لبد، مثل تعقیب قضات که مستلزم صدور حکم تعلیق از ناحیه دادگاه انتظامی متعاقب درخواست دادسرای انتظامی است و مثل نمایندگان مجلس، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد، که تعقیب آنها در تهران صورت می‌گیرد. لذا این موارد از جهات سقوط دعوی عمومی نیست، موانعی است که باید بر طرف گردد. حال آن که در مواردی دیگر از قبیل مرور زمان، امر مختومه کیفری، فوت متهم و عفو عمومی

دادسرا و سایر مقامات قضائی ذیصلاح برای همیشه از تعقیب متهم و به جریان انداختن دعوی عمومی وفق مقررات ممنوع می‌باشند. بنابراین موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی عبارتند از:

۱. ضرورت شکایت شاکی

۲. مصونیت‌های مانع از تعقیب

۳. اناطه

و موارد سقوط دعوی عمومی نیز عبارتند از :

۱. مرور زمان

۲. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

۳. امر مختوم کیفری

۴. فوت متهم

۵. عفو عمومی

۶. نسخ مجازات قانونی (نسخ قانون جزا)

ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته است تعقیب

امر جزائی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد

موقوف نمی‌شود مگر در موارد زیر :

اول - فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی

دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل

گذشت

سوم - مشمولان عفو

چهارم - نسخ مجازات قانونی

پنجم - اعتبار امر مختومه

ششم - مرور زمان در مجازات های بازدارنده

بدواً به بررسی موانع موقتی تعقیب دعوی که حقوقدانان از

آن به موانع تعقیب نام می برند می پردازیم سپس موارد سقوط

دعوی عمومی را بحث خواهیم کرد.

بخش اول:

موانع موقتی تعقیب دعوی عمومی

در تعقیب جرائم، برخی موانع موقتی است که با وجود آن رسیدگی کیفری شروع نمی شود یا اگر شروع شده به حالت تعلیق در می آید تا شرایط لازم فراهم شود. این موانع عبارتند از: ضرورت شکایت شاکی، مصونیت ها و اناطه که به شرح زیر به توضیح آن می پردازیم.

بند اول : ضرورت شکایت شاکی

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی از موجبات متوقف شدن تعقیب یا اجرای مجازات تلقی می شود و از موارد سقوط دعوی عمومی است. در برخی موارد قانونگذار به لحاظ منافع مالی و اقتصادی یا مصالح خانوادگی و اخلاقی، تعقیب متهم را که از وظایف نهاد تعقیب می باشد، به محض وقوع جرم و بنا بر اصل ضرورت قانونی بودن تعقیب می باشد، تعقیب بزهکار را منوط

به شکایت شاکی دانسته است. در این قبیل جرائم، دادسرا یا مقامات قضائی ذیربط حتی علیرغم میل و تکلیف خود تا وصول شکایت قادر به تعقیب متهم نخواهند بود. ولی در بسیاری از جرائم (جرائم عمومی) اگر چه شاکی و متضرر از جرم از شکایت خود صرف نظر نماید ولی جرم عمومی تعقیب می‌شود و نهاد تعقیب دعوی عمومی را به جریان می‌اندازد.

با تدوین ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز با لحاظ آن تدوین شده است، جرائم مشمول طبقه بندی سه‌گانه شدند.

۱. جرائمی که تعقیب آنها به عهده مراجع قضائی ذیربط (دادستان یا معاون وی) نهاده شده است و در آنها نیازی به ارائه شکایت از سوی شاکی نیست.

۲. جرائمی که تعقیب با شکایت شاکی شروع می‌شود و با استرداد شکایت تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.

۳. جرائمی که تعقیب با شکایت شاکی شروع و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد. یعنی قبل از ارائه شکایت مقام تعقیب مجاز نیست دعوی عمومی را به جریان اندازد، ولی استرداد شکایت از سوی شاکی مانع از تعقیب دعوای عمومی و احتمالاً تعیین مجازات برای متهم نیست.

بند دوم : مصونیت‌های مانع از تعقیب

مصونیت مورد نظر در این بخش یعنی معاف بودن برخی اشخاص از بعضی قواعد و مقررات عمومی که در این خصوص مصونیت‌های پارلمانی، تشریفاتی و سیاسی بطور اجمال تبیین می‌شود.

الف . مصونیت پارلمانی

به منظور رسیدگی به اتهامات نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در دادگاه کیفری استان تهران صورت می‌گیرد، بعضی اوقات تعقیب جرم عمومی آنان به لحاظ عدم شکایت شاکی خصوصی متوقف می‌شود و گاهی نیز علاوه بر گذشت، وظیفه نهاد تعقیب حسب قاعده و اصل قانونی بودن تعقیب ایجاب می‌نماید که تعقیب صورت گیرد که در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد و طبعاً این موارد جزء سقوط دعوی عمومی نیست، موانعی است که باید مرتفع شود.

و یا به منظور برخورداری نمایندگان مجلس قانونگذاری از استقلال کافی در مقابل قوای دیگر و فراهم نمودن امکانات لازم برای اعمال هر چه بهتر وظایفی که بر عهده آنان گذاشته شده است و همچنین جلوگیری از ایراد اتهامات واهی که

ممکن است بر اثر مسایل سیاسی متوجه آنان شود، نمایندگان مجلس قانونگذاری در بسیاری از کشورهای جهان در طول مدت نمایندگی از مصونیت های ویژه ای برخوردارند که به امتیاز پارلمانی معروف است.

مصونیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به اظهاراتی که به مناسبت ایفای وظایف نمایندگی می کنند، به موجب اصل ۸۶ قانون اساسی پذیرفته شده است. اصل مزبور مقرر می دارد «نمایندگان مجلس در مقام ایفای نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آراییی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند، تعقیب یا توقیف کرد». اما در مورد مصونیت از تعقیب و توقیف بر اثر ارتکاب جرم، اعم از اینکه نماینده متهم به ارتکاب جرم مشهود یا غیر آن باشد، در قوانین موضوعه امتیاز خاصی منظور نگردیده است و تعقیب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجازات آنان به استناد تساوی افراد در مقابل قانون و عدالت، در صورت ارتکاب جرم بلا اشکال است.

ب. مصونیت های تشریفاتی

بر خلاف مصونیت های ماهوی در مصونیت های تشریفاتی، اصولاً متهم قابل تعقیب است، اما قانونگذار با توجه به موقعیت های

خاص شغلی، مقام تعقیب را قبل از هر گونه اقدام، موظف به رعایت تشریفات خاصی کرده است.

۱. صونیت‌های قضات دادگستری

کارمندان قضائی از مصونیت کیفری و شغلی برخوردارند.

۱-۱. مصونیت کیفری :

به موجب قانون هر گاه در اثناء رسیدگی کشف شود که قاضی مرتکب جرمی شده و دادستان انتظامی قضات آن نسبت را، مقرون به دلایل و قرائنی ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید، تعلیق قاضی را از شغل خود تا صدور رای نهایی از دادگاه انتظامی تقاضا می نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار مقتضی صادر نمود و در صورت حصول براءت، ایام تعلیق جزء مدت خدمت محسوب و حقوق قاضی داده خواهد شد.

بدین ترتیب مقام تعقیب (دادستان عمومی و انقلاب تهران یا معاون او) مکلف است در مورد ایراد اتهام به قضات، برای اتخاذ تصمیم مقتضی، مدارک و دلایل اتهام را به دادسرای انتظامی قضات ارسال کند.

عنوان کارمند قضائی کلیه قضات را شامل می شود اعم از

قضات دادسرای عمومی، انقلاب، نظامی همچنین قضات محاکم عمومی و انقلاب و تجدید نظر و دیوان عالی کشور و کلیه دارندگان پایه های قضائی به جز کارآموزان قضائی که مشمول این حکم می باشند اضافه می نمایند.

مصونیت قضات دادگستری قابل تسری به امور خلافی و امور مدنی (حقوقی) نیست.

به استناد تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ به جرائم دارندگان پایه های قضایی در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی می شود.

در مورد قضات روحانی، با استناد به ماده ۳۲ آیین نامه دادرها و دادگاه های ویژه روحانیت (مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۴) در صورت ایراد اتهام به قاضی روحانی و درخواست تعلیق وی از سوی دادسرای ویژه روحانیت، دادگاه انتظامی قضات مکلف است ظرف ۲۰ روز در این باره اظهار نظر کند. در غیر اینصورت و نیز موارد اضطراری (به تشخیص دادستان منصوب) اقدام قضایی لازم معمول می گردد و سپس موضوع باید به اطلاع ریاست قوه قضائیه برسد. پس در مورد روحانیونی که به امر قضا اشتغال دارند، رعایت تشریفات مربوط به سلب مصونیت (البته به صورت مشروط) الزامی است.

۱-۲. مصونیت شغلی قضات :

قضات علاوه بر مصونیت کیفری از مصونیت شغلی نیز برخوردارند. بلحاظ رعایت شان قضات و استقلال آنان نمی‌توان جزء در مواردی که قانون تعیین نموده قاضی را از شغل خود معلق یا منفصل نمود. به لحاظ این که قضات با فراغ کامل و آسودگی خاطر و بدون آن که نگران شغل یا محل خدمت خود باشند، بتوانند در کمال استقلال و آزادی به وظایف خود عمل کنند. اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام تضمین این مصونیت مقرر داشته است : «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه، پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور، نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد».

۲. مصونیت وکلای دادگستری:

وکلای دادگستری در مقام دفاع از موکلان خود از آزادی و

استقلال لازم برخوردارند و در صورتی که از ناحیه شخص یا اشخاصی مورد اهانت قرار گیرند، مرتکب به مجازات‌های مقرر قانونی خواهد رسید.

به موجب قانون «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می‌باشد».

چنانچه وکیل در حین دفاع از موکل خود عملی مرتکب شود یا اظهاراتی کند که جرم تلقی می‌شود، آیا امکان تعقیب فوری او وجود دارد؟ آیا می‌توان وکیل را به اتهام ارتکاب جرم مشهود در دادگاه فوراً بازداشت و محاکمه کرد و یا اینکه کسب مجوز از کانون وکلای دادگستری مربوطه ضروری است؟ که به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از تصویب تبصره ۳ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجتمع تشخیص مصلحت نظام تاکید بر ضرورت مصونیت تشریفاتی برای وکلاء بوده است.

۳. تعقیب افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر

تعقیب افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر مستلزم رعایت برخی تشریفات به استناد دستورالعمل صادره از دادستانی نیروهای مسلح و بخشنامه‌های صادره از قوه قضائیه بوده که احضار آنان باید از طریق دفتر ویژه سازمان قضایی

انجام شده و به جرائم عمومی آنان باید در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شود.

ج . مصونیت‌های سیاسی :

عدم امکان تعقیب و مجازات ماموران سیاسی در صورت ارتکاب جرم، استثنایی بر اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری است. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قوانین جزائی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد، مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

از جمله ترتیبات مقرری که مانع اعمال و اجرای مقررات کیفری به برخی از اتباع کشورهای خارجی می‌شود، کنوانسیون‌هایی است که ماموران سیاسی را از مصونیت‌هایی برخوردار نموده است.

به موجب کنوانسیون دیپلماتیک وین (۱۹۶۱) مامور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب کیفری برخوردار است.

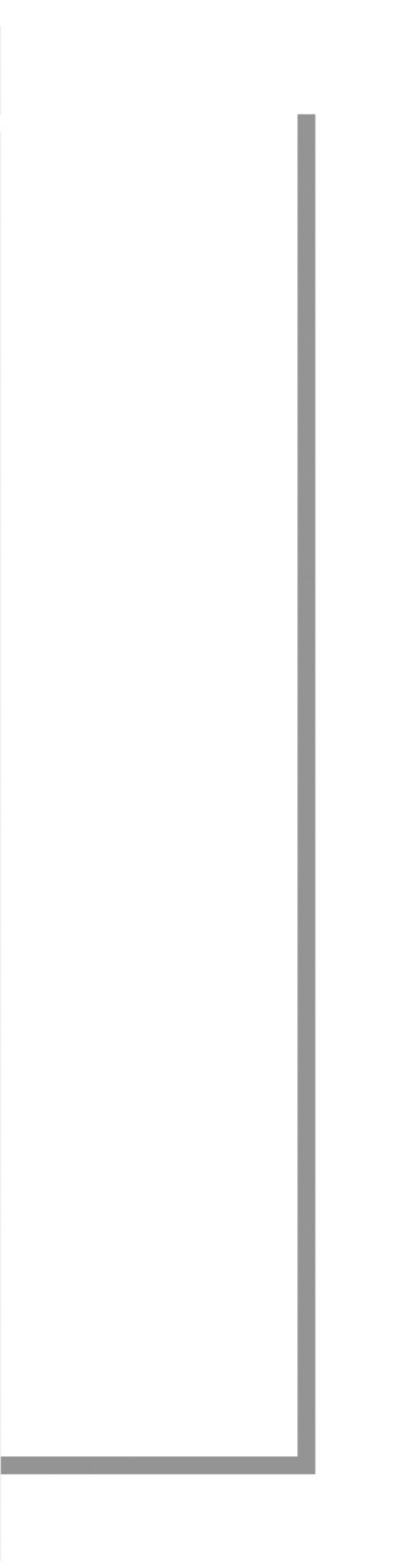
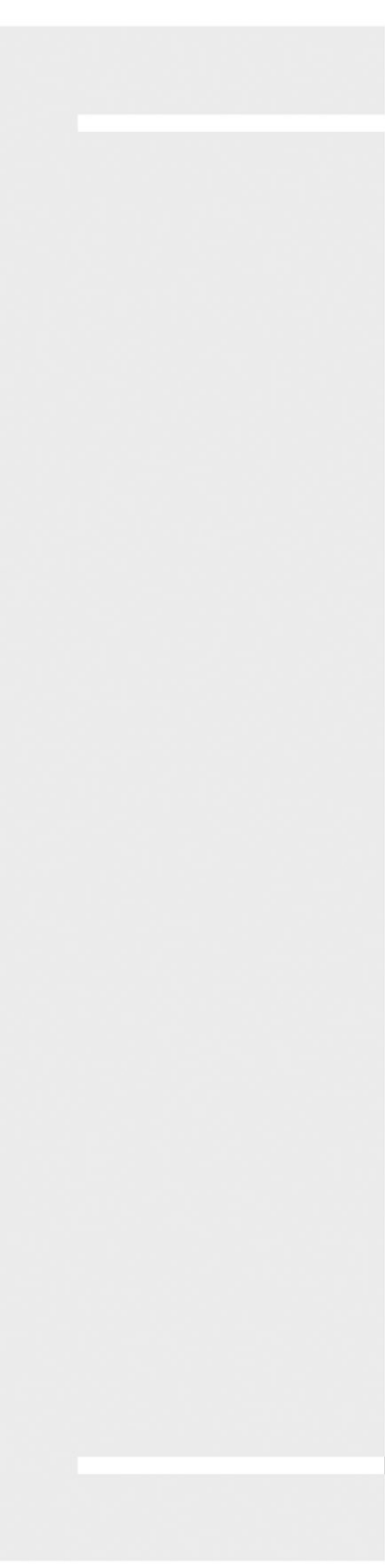
حسب ماده ۲۹ کنوانسیون وین (شخص مامور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شان

اوست خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخصیت، آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد) با عنایت به مراتب فوق ماموران سیاسی را به هیچ عنوان حتی در جرائم مشهود نمی توان تحت تعقیب کیفری و توقیف و محاکمه قرار داد ولی امکان محاکمه و مجازات مامور به دلیل جرم ارتكابی برای کشور فرستنده همیشه وجود دارد. یعنی مامور سیاسی که مرتکب جرمی شده به موجب بند ۴ ماده ۳۱ قرارداد وین باید در دادرها و یا دادگاه های کشور متبوع خود به اتهام وی رسیدگی و محاکمه صورت گیرد.

بند سوم : اناطه

از خصوصیات مراجع کیفری صلاحیت دار سرعت و دقت در رسیدگی است، بنابراین چنانچه از طرف اصحاب دعوا و به ویژه متهم در مقام دفاع مطالبی عنوان شود که رسیدگی و تشخیص و صحت و سقم آن و اتخاذ تصمیم منوط به امری است که در صلاحیت دادگاه دیگری است و یا ادامه رسیدگی به آن در همان دادگاه مستلزم تشریفات دیگر آیین دادرسی می باشد قرار اناطه صادر می شود و به طرفین ابلاغ می شود، ذی نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پیگیری و گواهی آن را به دادرها یا دادگاه رسیدگی کننده

حسب مورد ارائه و یا دادخواست لازم به همان دادگاه تقدیم نماید، در غیر اینصورت داسرا و یا دادگاه و سایر مقامات قضائی ذیصلاح به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی اتخاذ خواهند نمود. که قرار اناطه صادره از ناحیه داسرا ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض خواهد بود. بنابراین در چنین مواردی مرجع تعقیب یا دادگاه باید از هر گونه رسیدگی امتناع کرده، قرار تعلیق رسیدگی (اناطه) صادر نماید.



بخش دوم:

علل سقوط دعوی عمومی

دعوی عمومی در موارد زیر ساقط می شود و با حصول مراتب اشاره شده تعقیب متهم یا مجازات محکوم علیه منتفی، ممتنع یا متصور خواهد بود.

بند اول : فوت متهم یا محکوم علیه در مجازاتهای شخصی

یکی از علل سقوط دعوی عمومی و صدور قرار موقوفی تعقیب به شرح مندرج در ماده ۶ قانون آئین دادرسی کیفری فوت متهم است .

دعوی عمومی با فوت متهم یا محکوم علیه موقوف می شود، نهاد تعقیب یا شورای حل اختلاف و یا دادگاهها مکلفند با احراز واقعه فوت قرار موقوفی تعقیب صادر نمایند. وراثت متهم را نمی توان تعقیب نمود، مجازات جنبه شخصی دارد. با توجه به

اصل شخصی بودن مجازات ها و این که مجازات قائم به شخص است با فوت متهم یا محکوم علیه موردی برای اعمال مجازات وجود ندارد. اعمال کیفر بر بازماندگان متوفی جایز نیست، البته مسئله عاقله بحثی جداگانه دارد.

بند دوم : گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

اصولاً گذشت شاکی و استرداد شکایت تاثیری بر دعوی عمومی ندارد فقط باید از موجبات سقوط دعوی خصوصی به شمار آید ولی قانونگذار در جرائم قابل گذشت و به لحاظ رعایت مصالح اجتماعی یا خانوادگی، جنبه خصوصی برخی از جرائم را بر جنبه عمومی شان ترجیح داده است. اعلام گذشت نه فقط دعوی خصوصی بلکه دعوی عمومی را نیز به تبع آن ساقط و مرجع قضائی رسیدگی کننده را مکلف و موظف به صدور قرار موقوفی تعقیب می نماید. پس گذشت شاکی یا مدعی خصوصی هم از موارد سقوط دعوی است. اما در درجه اول گذشت شاکی دعوی خصوصی را ساقط می نماید و اگر جرم از جرائم قابل گذشت باشد موجب سقوط دعوی عمومی نیز می گردد.

گذشت ممکن است شفاهی باشد یا کتبی بصورت عادی

(لایحه) و یا رسمی در دفتر اسناد رسمی تنظیم شده باشد. در صورتی که گذشت شفاهی باشد در دادسرا یا دادگاه یا نزد سایر مقامات ذیصلاح صورتجلسه شده و به امضاء شاکی می‌رسد و ضمیمه پرونده می‌شود. گذشت اگر کتبی باشد یا شاکی شخصاً حضور پیدا نماید، پس از احراز هویت او، رضایت اخذ و منضم به پرونده می‌گردد. اگر گذشت به صورت لایحه به مقامات قضایی یا شورای حل اختلاف ارسال شده باشد باید اطمینان حاصل کرد که لایحه گذشت از ناحیه شاکی ارسال شده است یا خیر؟ در سازش نامه تنظیمی در دفتر اسناد رسمی ولو به صورت ارسالی در اعتبار و اصالت آن جای تردید برای مقامات قضایی نخواهد بود.

قانونگذار در ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به مواردی از جرائم قابل گذشت اشاره نموده و مصادیق آن را مشخص کرده است.

گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد و همچنین عدول از گذشت مسموع نخواهد بود. بنابراین شاکی نمی‌تواند بعد از گذشت مدعی شود که متوجه ضرر و زیان و خسارت وارده نبوده و گذشت خود را بلااثر نماید.

هر گاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزائی با

شکایت هر یک از آنان شروع می شود ولی صدور قرار موقوفی تعقیب، موقوف به گذشت و انصراف از شکایت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

چنانچه شاکی تا زمان فوت گذشت نماید حق گذشت به ورثه منتقل می شود و در صورت گذشت تمام وراثت تعقیب رسیدگی و اجرای مجازات موقوف خواهد شد.

اعلام گذشت اعمال حق است، بنابراین شاکی که از این حق استفاده می نماید، باید برای اعمال حق اهلیت استیفاء داشته باشد. در صورتی که مجنی علیه صغیر، غیر رشید یا مجنون باشد شخصاً نمی تواند گذشت کند، چون اهلیت ندارد. در این صورت باید ولی او (پدر یا جد پدری) یا قیم اعلام گذشت نماید.

بند سوم: مرور زمان کیفری

مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از نظر قانونی اجرای مجازات و تعقیب موقوف خواهد شد.

حسب ماده ۱۷۳ قانون آئین دادرسی کیفری در جرائمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تامینی و ترتیبی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروح ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا

انقضاء مواعد مذکور به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.

الف . حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با انقضاء مدت ده سال .

ب . حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضاء مدت پنج سال.

ج . مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضاء مدت سه سال .

تبصره - در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود.

بنابراین حسب قوانین جاری کشور، جرائمی که مجازات قصاص - حد - دیات و تعزیرات شرعی را دارند مشمول مرور زمان نمی شوند . مرور زمانی که در مادتين ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده و از موارد سقوط دعوی کیفری است مربوط به مجازات های بازدارنده می باشد.

ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مقرر می دارد (مجازات بازدارنده، تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی، تعیین می گردد از قبیل

حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقاط معین مانند آن .

برابر ماده ۱۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری در موارد مذکور در ماده قبل (ماده ۱۷۳) هر گاه حکم صادر گردیده ولی اجرا نشده باشد، پس از انقضای مواعد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم اجرای آن موقوف می گردد و در هر حال آثار قبلی حکم به قوت خود باقی خواهد بود.

بند چهارم: مشمولان عفو

یکی از جهات سقوط دعوی عمومی این است که متهم یا محکوم علیه مشمول عفو شده باشد، عفو دو نوع است عفو خصوصی و عفو عمومی .

متهم مشمول عفو خصوصی نمی شود زیرا عفو خصوصی مربوط به زمان بعد از محکومیت است، شخص باید مجرمیتش احراز شده باشد تا نسبت به عفو او تصمیم بگیرد. اما عفو عمومی بر اساس قانون و بدون در نظر گرفتن شخص معین صورت می گیرد.

عفو خاص از شخص معین نشأت می گیرد، نه از قانونگذار و به همین دلیل، عفو عمومی واجد آثاری به مراتب بیشتر و موثر

تر از عفو خاص است. در عفو خاص، ارتکاب جرم به اعتبار خود باقی مانده، محکومیت در سجل کیفری درج می‌شود و به همین دلیل، در مواردی که قانون عفو عمومی قبل از تعقیب متهم به تصویب برسد، امکان تعقیب از دادسرا یا نهاد تعقیب مشابه سلب می‌گردد و چنانچه عفو عمومی پس از ارتکاب جرم و تعقیب آن، لکن پیش از محکومیت به تصویب برسد، دعوی عمومی ساقط می‌گردد و مقام قضائی باید در این موارد قرار موقوفی تعقیب صادر نماید. چنانچه قانون عفو عمومی پس از محکومیت به تصویب برسد محکومیت زایل می‌شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزائی از تصویب شورای انقلاب گذشت و تصریح نمود کلیه کسانی که تا تاریخ ۵۸/۲/۱۸ در مراجع قضائی مورد تعقیب قرار گرفته‌اند، اعم از اینکه حکم قطعی درباره آنان صادر شده یا نشده باشد، حسب مورد از تعقیب یا مجازات معاف خواهند شد.

مشمولین عفو عمومی در صورتی که در زندان باشند فوراً آزاد می‌شوند، هیچ آثاری از جرائم ارتكابی باقی نخواهد ماند. عفو عمومی تاثیری در حقوق مجنی علیه و مطالبه ضرر و زیان ندارد و دعوی عمومی ناشی از جرم ساقط می‌شود. نوع دیگر عفو، عفو خصوصی است که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی به

عنوان یکی از اختیارات مقام رهبری شناخته شده است. بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه بوده و ملاحظه می شود که عفو مقام رهبری ناظر به محکومان است، بنابراین جرائمی که رسیدگی به آنها در مرحله تعقیب کیفری است یا هنوز تعقیب آنها شروع نشده، با تصویب مجلس شورای اسلامی و به موجب قانون خاص می توانند مشمول عفو عمومی قرار گیرند.

ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مورد عفو خصوصی مقرر داشته که عفو یا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است و بر اساس مواد ۲۴، ۷۲، ۱۲۶ و ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی که پیش بینی عفو برای محکومین شده است، پیشنهاد عفو حسب آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی از جانب اشخاصی مثل دادستان مجری حکم و رئیس زندان با موافقت دادیار ناظر زندان و به درخواست محکوم علیه و خانواده وی در کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار می گیرد.

بند پنجم: نسخ مجازات قانونی

همانند عفو عمومی، نسخ قانون جزایی، به صورت صریح یا ضمنی عنصر قانونی جرم را زایل نموده، خاصیت جرم بودن عمل ارتكابی را از بین می برد. هیچ کس برای اعمال گذشته که بعداً قانون آنها را جرم شناخته مجازات نمی شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات مورد احترام همه ملل متمدن است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم این اصل شناخته شده است و در فقه نیز به قاعده قبح عقاب بلا بیان معروف است. در کنار اصل مذکور اصل دیگری هم بنام عطف به ماسبق شدن قوانین اخف وجود دارد، اگر متهمی بر طبق قانون محکومیت پیدا کرد، بعد آن قانون تغییر یافت و مجازات سبک تری در قانون جدید در نظر گرفته شد، عطف به ماسبق می شود. بنابراین هر گاه کسی به موجب قانون جزائی سابق تحت تعقیب قرار گیرد و در این حین قانون جدیدی وضع شود که مقررات سابق را نسخ کند، و به نفع متهم یا محکوم علیه باشد، مقررات قانون لاحق نسبت به تعقیب و یا محکومیت سابق اثر می گذارد. ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می دارد (اگر بعد از وقوع جرم، قانونی وضع گردد که مبنی بر تخفیف و یا عدم مجازات بوده و از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد،

نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون، تا صدور حکم موثر خواهد بود ...)

چنانچه نسخ قانون جزا پس از وقوع جرم و قبل از این که متهم مورد تعقیب قرار گیرد، واقع شود، مقام قضائی مکلف است دستور بایگانی اقدامات انجام شده توسط ضابطین دادگستری را صادر نماید، اما در صورتی که نسخ قانون جزا در مرحله تحقیقات مقدماتی و پس از به جریان افتادن دعوی عمومی صورت گیرد، مقام قضائی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب و امتناع از تحقیق است.

همچنین در صورتی که به موجب قانون سابق، حکم قطعی و لازم الاجرا صادر شده باشد به دستور ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی، حکم قابلیت اجرایی خود را از دست می دهد و اگر در جریان اجرا باشد، موقوف الاجرا می ماند. در این دو مورد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نمی باشد.

نسخ قانون جزا، به علت اینکه منجر به امحای آثار قانونی جرم می شود و به شکل نسخ موضوعی عمل می کند نه نسخ شخصی و به شرکاء و معاونان جرم تسری می یابد.

بند ششم: اعتبار امر مختومه کیفری

یکی دیگر از علل سقوط دعوی عمومی و اصدار قرار

موقوفی تعقیب به شرح مندرج در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری اعتبار امر مختومه است.

اعتبار امر مختومه کیفری سبب می شود که دادسرا و دادگاهها مجاز به تعقیب، رسیدگی و صدور حکم مجدد نسبت به امری که قبلاً مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم قطعی صادر شده نباشد. اما در برخی موارد، تشخیص این که آیا با امر مختومه کیفری مواجه هستیم یا خیر آسان نیست. ضرورت امتناع از تعقیب مجدد از قواعد ناظر به نظم عمومی است و به این علت اولاً در تمام مراحل اعم از تعقیب یا رسیدگی و حتی در مرحله تجدید نظر و فرجام نیز از سوی ذینفع قابل اعلام است ثانیاً مقام قضایی پس از اطلاع از امر مختوم کیفری راساً از ادامه تحقیق و رسیدگی امتناع کرده و مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب می باشد.

اگر فردی در معرض اتهام قرار گرفت و پس از رسیدگی لازم برائت حاصل نمود نمی توان به لحاظ همان اتهام مجدداً تعقیب را شروع نمود. اگر چنین تعقیب مجددی صورت پذیرفت به اعتبار امر مختومه باید قرار موقوفی تعقیب صادر نمود، شرایط حصول امر مختوم کیفری عبارتند از :

۱. وحدت طرفین دعوی : منظور این است که طرفین امر جزایی باید یکی باشند، بنابراین هر گاه کسی به لحاظ خیانت

در امانت شکایت کرده و متهم تحت تعقیب قرار گرفته و حکم صادر شده باشد امر مختومه کیفری حاصل شده و آن شخص مجدداً نمی تواند علیه همان متهم طرح شکایت مجدد نماید.

۲. وحدت موضوع : شخص واحد را نمی توان دو بار به اتهام ارتکاب یک عمل مجرمانه تحت تعقیب کیفری قرار داد. بنابراین هر گاه متهم در اتهام خیانت در امانت یک تخته فرش با شکایت شخصی براءت حاصل نمود نسبت به همان اتهام مجدداً نمی تواند تعقیب شود ولی مجدداً شاکی همان شخص را به اتهام خیانت در امانت یک یا چند تخته فرش دیگر یا سایر اتهامات مورد تعقیب قرار داد، از موارد اعتبار امر مختومه نیست، زیرا عمل و واقعه مجرمانه مختومه با ارتکاب جرم جدید تفاوت دارد.

۳. وحدت سبب : سبب طرح دعوی عمومی، همان حفظ حقوق جامعه از طریق اعمال مجازات یا اقدامات تامینی و ترتیبی بر مجرم است منظور این است که طرح دعوی کیفری علیه کسی که قبلاً محکومیت کیفری پیدا کرده و یا حکم براءت او صادر گردیده، ممنوع است و به این دلیل، احکام صادره از سوی سایر مراجع که در ارتباط با حیثیت عمومی جرم صادر نشده اند (مراجع اداری و انضباطی) مانع از طرح دعوی کیفری علیه متهم نیست.

یاد داشت



نشر قضا



نشر قضا